



به گیتی به از راستی پیشه نیست -- زکڑی بتر, هیچ اندیشه نیست

در دنیا بهتر از درستی و بدتر از نادرستی , هیچ چیزی وجود ندارد

سخن گفتن کژ زیچارگی است -- به بیچارگان بر, بیاید گریست

سخن گفتن نادرست از درمانده بودن انسان است و باید برای چنین انسانی گریه کرد

هر آن کو که گردد به گِرِ دروغ -- ستمکاره خوانیمش و پی فروغ

هرکسی که دنبال دروغ باشد, ما او را ستمکار میدانیم که اثر خوبی از خودش نمی گذارد

همه راستی کن که از راستی -- نیاید به کار اندرون, کاستی

فقط راه درست در زندگی پیش بگیر زیرا د این راه ضرر نخواهی کرد

هر ان کس که با تو نگوید دُرست -- چنان دان که او دشمنِ جانِ توست

هرکسی که به تو راست نگوید , آگاه باش که او دشمن تو است

گشاده است بر ما درِ راستی -- چه کوبیم خیره درِ کاستی؟

خداوند راه درست را به ما نشان داده است پس چرا ما باید به راه نادرست برویم

مکن دوستی با دروغ آزمای -- همان نیز با مردِ ناپاک رای

با انسان دروغ گو و افرادی که در فکرهای پلید هستند دوستی نکن

شاهنامه فردوسی => شعر به گیتی به از راستی پیشه نیست